

ميلاد حضرت محمد صلى الله عليه و آله و سلم الهام بخش وحدت

نویسنده : نصیری، علی

- ميلاد با برکت حضرت محمد صلى الله عليه وآله وسلم ، یادکرد پرداختن به رخدادی بنیادین یعنی وحدت میان مسلمانان جهان است. وحدت درون دینی میان فرقه‌های گوناگون اسلامی بویژه برادران اهل تسنن و تشیع، بایسته‌ای است گریزناپذیر که سالگشت ولادت پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم الهام‌بخش آن است. این بدان روست که وجود پیامبر و شخصیت والای آن مقتدا نقطه اتصال همه آبرفتهای اندیشه‌ای است و هر فرقه و مذهبی گم گشت خود را در او می‌یابد و پهنای سینه او را جایگاهی آرام برای کاستن از تلاطم موج فتنه می‌یابد.

پیمانه جان هر مسلمان واقعی لبریز است از عشق و شیدایی به پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم و صد البته این مهر دو سو دارد؛ چه؛ قلب اقبانوس‌گونه پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم نیز از عشق امت و دلدادگی به ایشان همواره لبریز بوده است. این‌گونه شیدایی بین مرید و مراد و رهبر و امت را در کدام دین و آیین می‌توان سراغ گرفت؟ همین یکسویی نسبت به عشق به پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم در میان تمام فرقه‌ها و دسته‌های اسلامی نقطه‌ای است بس ارجمند و گرانسنگ که می‌باید بر آن تأکید داشت و با تکیه بر آن، پرچم اخوت را برافراشت. پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم از روز نخست پیام‌آور وحدت و یکپارچگی بوده است، چه آن‌روز که در آغاز هجرت به مدینه، دشمنی دیرینه بین اوس و خزرج را به برادری و همدلی کامل مبدل ساخت، چه آن هنگام که در

(۳)

- واپسین لحظات عمر شریف خود با پافشاری بر یکپارچگی چشم از جهان فرو بست و چه با ودیعت نهادن کتاب و عترت برای مقابله با پراکندگی، چاره اندیشید.

وحدت‌خواهی قرآن – یادگار جاوید پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم – و هشدار نسبت به عواقب پراکندگی برای هر مسلمان، بهترین رهنمود است. قرآن کریم سه اثر زیانبار را برای پراکندگی یاد کرده است^(۱):

۱. فروپاشی درونی و هرز رفتن توانها

۲. کاستی هیمنه در برابر دشمنان دین

۳. فراهم آمدن زمینه سیطره طاغوت بر دین‌باوران

از پافشاری قرآن بر وحدت و هشدار نسبت به پراکندگی می‌توان دریافت که مسلمانان از کدام‌سو آسیب جدی خواهند دید و در دامن چه خطری خواهند غلطید^(۲).

قرآن به مسلمانان اعلام داشته است که به‌سبب برخوردارى از آیین حق‌مدارى و ظلم‌ستیزی و نیز دعوی خاتمیت، همواره با دشمنان پیدا و پنهان روبرو خواهند بود؛ دشمنانی که جز نیستی و نابودی ایشان را در دل نمی‌پروراند. شاهد این مدعا در سده‌های اخیر، دستهای تفرقه‌افکنانه دشمنان دین است که پس از جنگ جهانی اول و با دسیسه فروپاشی امپراطوری عثمانی به قطعه قطعه کردن کشورهای اسلامی پرداختند و کمابیش در تمام مرزها نقطه چالش برجای نهادند و از برساختن فرقه‌های مذهبی افراطی و تقویت بنیه آنها از هیچ کوششی دریغ نکردند. در مقابل چنین دشمنانی جز وحدت و یکدلی نشاید.

امروز مسلمانان با دو حقیقت تلخ که هر دو نتیجه اختلاف است، روبرو هستند:

۱. عقب ماندن از کاروان تمدن و دانش بشری. این در حالی است که تمدن اسلامی قرن‌ها کاروانسالار تمدن و دانش بشری بوده و به ادعای دوست و دشمن، هیچ آیینی همچون اسلام بر علم و دانش تأکید نکرده است. منور الفکرهای دیروز مشروطیت و

- وشنفکر مآبان امروز این عقب ماندگی را ثمره دین مداری ندانند و درباره جدایی دین از علم بیهوده سخن سرایی نکنند که به جنگ با حقیقت نتوان رفت و راه، بیراهه نتوان پیمود.

۲. دست اندازی آشکار و پنهان قدرتهای جهانی در امور داخلی ملتهای مسلمان. امروزه جهان اسلام بیش از هر چیز از چکمه‌های بیگانه در سرزمین خود و دخالت مستقیم و غیر مستقیم قدرتهای باطل کبیش در مصالح ملی اسلامی رنج می‌برد. در این بین آنچه از همه تلختر است حضور دولت غاصب و ستم‌پیشه اسرائیل در قلب جهان اسلام و تهاجم بی‌حد و مرز او به سایر سرزمینهای اسلامی می‌باشد. این در حالی است که شعار «لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً»^(۱) «روحی سرشار از عزت و سربلندی می‌آفریند و در دل هر مسلمان آزاده‌ای طوفانی از بیگانه‌ستیزی را برمی‌آشوبد.

چه باید کرد؟ بی‌شک برای دستیابی به یکپارچگی که قرآن بدان فرامی‌خواند، یک کار درونی و یک تلاش برونی ضروری است.

از یک‌سو، مسلمانان می‌باید بر نکات مشترک تأکید کنند و چالش‌های اندک مانده را کاهش دهند. برآستی اگر واقع‌نگر باشیم در خواهیم یافت که چالش‌ها در قیاس با پهن‌دشتهای مشترک بسیار اندک است. مسلمانان در اصل یگانگی خداوند و رسالت پیامبران و بعثت پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و نیز باورداشت حیات پس از مرگ، اتفاق نظر دارند. در فروع دین نیز افقها بسیار به هم نزدیک است.

از سوی دیگر، در بخش برونی می‌باید با ظرافت اندیشی و مآل‌باوری خود تمام طرحهای تفرقه‌افکنانه دشمنان اسلام را در تشدید منازعات مذهبی و آفریدن دسته‌های نوپا نقش بر آب سازند.

انقلاب اسلامی و وحدت

به رغم فرقه‌ای خواندن نهضت اسلامی توسط قدرتهای دین‌ستیز و تلاش برای صف‌بندی میان نهضت شیعی با سایر نهضتها، انقلاب اسلامی با روشن‌بینی تمام کوشش

- بایسته خود را به کار گرفت تا نغمه‌های شوم تفرقه را خاموش سازد. معمار انقلاب از همان ابتدا بنیاد وحدت را بنا نهاد. امام راحل قدس سره برآستی فرانگر و دوراندیش بود و بنیکی از دسیسه‌های تفرقه‌افکنانه و زیانهای پراکندگی آگاهی داشت. از این رو در آغاز گلگشت پیروزی نهضت اسلامی گامهای بلندی در این راه برداشت. این اقدامات را در چند محور اساسی می‌توان خلاصه کرد:

۱. فراخوانی مستمر و همه‌جانبه مسلمانان جهان به همبستگی و هشدار نسبت به عواقب پراکندگی.

امام راحل قدس سره یکی از برنامه‌های نهضت اسلامی را ایجاد وحدت میان ملتهای مسلمان اعلام داشته است:

«برنامه ما وحدت کلمه مسلمین و اتحاد ممالک اسلامی است در مقابل دول استعمارطلب»^(۱).

ایشان آسیب‌ناپذیری مسلمانان را به‌عنوان میوه شیرین همبستگی دانسته، می‌فرماید:

«اگر همه مومنین در قطرهای اسلامی، در تمام کشورهای اسلامی، همین یک دستور خدا را — که بینشان عقد اخوت برقرار کرده است — عمل کنند، دیگر قابل آسیب نیستند»^(۲).

امام قدس سره در وصیتنامه بلند خود با سوز و گدازی تمام، ملت ایران و مسلمانان جهان را مخاطب ساخته، می‌نویسد:

«امروز و در آتیه آنچه برای ملت ایران و مسلمانان جهان باید مطرح باشد و اهمیت آن را در نظر گیرند، خنثی کردن تبلیغات تفرقه‌افکن، خانه‌برانداز است»^(۳).

۲. فراهم آوردن فضایی آکنده از مهر و عطوفت برادرانه بین شیعه و سنی در سرتاسر میهن اسلامی و تأکید بر اجرای بندهای مربوط به اقلیتهای دینی در قانون اساسی.

۳. اعلام هفته وحدت از دوازدهم تا هفدهم ربیع الاول که ضمن مراعات دیدگاه دو

۱. صحیفه نور، ج ۱، ص ۱۳۱.

۲. همان مأخذ، ج ۱۱، ص ۱۴۵.

۳. همان مأخذ، ج ۲۱، ص ۱۷۶.

(۶)

• ف نسبت به تاریخ ولادت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به استوارترین دستاویز یکپارچگی و وحدت یعنی شخصیت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تأکید دارد.

۴. جهتگیری سیاست خارجی براساس دفاع از منافع ملی، مذهبی کشورهای اسلامی که نمودهای بارز آن حمایت از مسلمانان در فلسطین، لبنان، افغانستان و بوسنی هرزگوین می‌باشد. ملت و دولت اسلامی در پاره‌ای از موارد جهت حمایت همه‌جانبه از ملت‌های اسلامی بهای بس سنگینی را پرداخته است.

۵. تلاش عینی و عملی در جهت شناسایی هرچه بیشتر مشترکات و راهکارهای همدلی که در این باره می‌توان از تشکیل و تلاش‌های مجمع التقرب بین المذاهب الاسلامیه یاد کرد.

با همه بیداری که امروزه در میان مسلمانان به چشم می‌خورد و نیز کوشش‌های انجام‌شده، تا دستیابی به وحدت مطلوب، هنوز راهی دراز در پیش است. از جمله اسباب به‌سامان نرسیدن وحدت، حکومت‌های ناصالحی است که زمام امور مسلمانان را در دست داشته و برای حفظ منافع قدرتهای خارجی و تثبیت موقعیت ناپایدار خود در پاره‌ای از موارد به تفرقه‌افکنی دامن می‌زنند. پی‌تردید اگر این مزاحمان وحدت از راه کنار روند، مسلمانان به‌چنان بالندگی رسیده‌اند که با شعار «انما المؤمنون اخوة»^(۱) و دست در دست هم به عمران و آبادانی دنیا و عقبای خود بکوشند. فرقه‌های افراطی که بیشتر آنها از پیشینه‌ای کمتر از یک سده برخوردارند، دومین سبب اساسی در دست‌نیافتن به وحدت واقعی و اسلامی است.

بدین‌سان آنچه برای مسلمانان بایسته است، جداکردن صف خود از دسته‌بندیهای افراطی است که خوشبختانه باریک‌اندیشان هر دو طیف به این امر واقفند. امید آن‌که با دستیابی به یکپارچگی، سیمای روشن جامعه جهانی اسلامی را نظاره‌گر باشیم.

انشاء الله

* * *